

اصول تربیتی جهاد تبیین با تأکید بر اصول مقابله با جehl مرکب

سعید حسنی،^۱ سعید فخاری^۲

چکیده

هدف: تبیین کارآمدی نظام مبتنی بر ولایت فقیه، مستلزم تبیین مبانی معرفتی انقلاب اسلامی، دستاوردهای مادی و معنوی نظام اسلامی و موانع ایجاد شده توسط نظام استکبار است. اما اقناع شدن و پذیرش مخاطب تبیین، گاهی با موانعی مواجه می‌شود. هدف مقاله حاضر، یافتن اصول تربیتی مبتنی بر معارف قرآن و عترت به منظور مقابله با جهل مرکب به عنوان مانعی برای موفقیت در جهاد تبیین بود. **روش:** روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. **یافته‌ها:** اسباب ایجاد جهل مرکب نسبت به شناخت مبانی معرفتی انقلاب اسلامی و میزان کارآمدی آن، در سه دسته گرایشی (مانند تعصبات حزبی)، بینشی (مانند تقلید کورکورانه یا تبعیت از گمان) و رفتاری (مانند خوردن مال حرام) قرار می‌گیرند. بر این اساس، اصول تربیتی مقابله با جهل مرکب عبارتند از: یادآوری و هشدار نسبت به توهم دانایی؛ تزکیه و تهذیب اخلاقی مرتبی؛ تواضع علمی و پرهیز دادن نسبت به غرور و فریفتگی علمی؛ ارزشیابی مستمر روشهای کسب اطلاعات و اخبار و روشهای استنتاجی به صورت معتدل. **نتیجه‌گیری:** رعایت اصول تربیتی قرآن‌بنیان می‌تواند با رفع موانع شناخت حقیقت، به منظور مقابله با جهل مرکب و زمینه‌سازی برای موفقیت جهاد تبیین، مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: اصول تربیتی، جهاد تبیین، جهل مرکب، موانع شناخت، قرآن و عترت.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

۱. سطح ۴ فقه و اصول، استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران. (نویسنده مسئول) نمابر: s.hasani@cfu.ac.ir / ۰۸۶۳۸۱۳۷۲۳۸

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران. s.fakhari@cfu.ac.ir

الف) مقدمه

در سالهای اخیر در خصوص شرایط کامیابی در جهاد تبیین و انواع آن، پژوهشهایی انجام شده؛ اما به اصول زمینه‌ساز برای موفقیت تبیین، کمتر توجه شده است. مطلوبیت تبیین حقایق و دانستنی‌های لازم و نافع، امری واضح است و زمانی که در اثر آمیختگی حق و باطل، شبهه ایجاد شود و باطل لباس حق را بپوشد (نهج البلاغه، خطبه ۳۸)، ضرورت تبیین حقایق و تمیز واقعیت از پندار، در صیانت از حق و حق دانستن حقیقت، بدیهی است. در این زمان که جنگ روایتها تشدید شده و شناخت صحیح مبانی معرفتی انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای مادی و معنوی و موانع ایجاد شده در راه پیشرفت انقلاب اسلامی توسط جبهه مستکبران، مورد تهاجم فرهنگی جبهه استکبار قرار گرفته است؛ تحقیق درباره تبیین مجاهدانه و راهکارهای تربیتی برای اثربخشی حداکثری این تبیین، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

درباره ضرورت این تحقیق می‌توان گفت: فردی که جهل مرکب دارد و نمی‌داند که نمی‌داند، همانند کسی است که احساس سیری کاذب به او دست داده، اما در صدد رفع گرسنگی بر نمی‌آید و بلکه هاضمه او هیچ غذایی را نمی‌پذیرد (مطهری، ۱۳۸۲: ج ۲۶: ۱۴۱). وضعیت خطیر این مثال در جایی است که فردی غذای مسمومی را تناول کند؛ در این صورت، تا معده او شستشو نشود و دستگاه هاضمه‌اش اصلاح نشود، امکان تناول غذای سالم نیز برای او وجود ندارد و بلکه چنانچه قبل از اصلاح هاضمه، غذای جدیدی تناول شود، چه بسا بیماری را تشدید کند. با این حساب، برطرف کردن حجاب فکری توهم دانایی و جهل مرکب و به تعبیری، اصلاح هاضمه فکری مردم، مقدم بر تغذیه فکری و تبیین مجاهدانه برای ایشان است؛ زیرا پذیرش و اقناع مخاطبان جهاد تبیین، در گرو مقابله با موانع شناخت صحیح است.

در مقاله حاضر، درباره یکی از زمینه‌های موفقیت در جهاد تبیین؛ یعنی اصول تربیتی ناظر به مقابله با توهم دانستن، تحقیق می‌شود. در این پژوهش با استناد به قرآن و احادیث معصومین (علیهم‌السلام)، آثار رفتاری جهل مرکب فهرست می‌شود تا تمایز ماهوی ندانستن (جهل بسیط) با توهم دانستن و ندانستن ندانستن (جهل مرکب) آشکار شود. همچنین بر اساس آیات و احادیث مرتبط با جهل و عدم شناخت صحیح حقایق و تعالیم انبیای الهی، موانع بینشی، گرایشی و رفتاری شناخت حقایق، بررسی و اصول و بایسته‌های تربیتی به منظور پیشگیری و درمان جهل مرکب استنتاج می‌شود.

بنابر این، سؤالات تحقیق عبارتند از:

۱. موانع شناخت حقایق بر اساس معارف قرآن و عترت کدام‌اند؟
۲. اصول تربیتی مقابله با جهل مرکب، به منظور زمینه‌سازی برای موفقیت در جهاد تبیین چیست؟

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ به این صورت که ابتدا آثار و علائم وجود جهل مرکب و موانع معرفت و شناخت صحیح، در آیات و روایات معصومان توصیف می‌شوند و با تحلیل محتوایی آنها، اصول تربیتی مقابله با جهل مرکب و موانع معرفت، استنتاج و فهرست می‌شوند. دسته‌بندی اسباب جهل مرکب در موانع گرایشی و بینشی، از قرآن پژوه، فقیه و فیلسوف معاصر، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی اقتباس شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۳۳۸-۳۰۳). در این پژوهش، موانع رفتاری مانند حرام‌خواری، به نظریه یادشده ضمیمه شده است تا با استقرا در آیات و روایات معصومین، شواهد نظریه مذکور بیشتر توصیف و تحلیل شوند و بر آن اساس، اصول و بایسته‌های کلی تربیتی ارائه شود. در پایان نیز چند روش تربیتی مناسب با اصول مذکور، پیشنهاد شده است.

۱. پیشینه تحقیق

در سالهای اخیر که هجمه رسانه‌ای مستکبران شدت گرفته است، رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ضرورت جهاد تبیین تأکید فرموده‌اند (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۳۵). به منظور تحلیل این فریضه، پژوهشهایی انجام شده است که هر کدام از منظری خاص به موضوع پرداخته‌اند. برخی به بررسی الگوی مفهومی و تحلیل محتوایی این مقوله توجه کرده‌اند؛ از جمله: «الگوی مفهومی جهاد تبیین از دیدگاه مقام معظم رهبری» (کاوند و محمدی مقدم، ۱۴۰۱) و «واکاوی جهاد تبیین؛ پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون در بیانات مقام معظم رهبری» (مهربانی و زرگران خوزانی، ۱۴۰۱). برخی دیگر، اصول و شیوه‌ها، الزامات و بایسته‌ها و کارکردها و پیامدهای تحقق این فریضه را در جامعه، واکاوی کرده‌اند؛ از جمله: «بایسته‌های مهارتی جهادگران تبیین از منظر اسلام» (وجدانی، ۱۴۰۱)، «کارکردهای و پیامدهای جهاد تبیین در بین‌المللی شدن الگوی مقاومت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» (ملک‌زاده، ۱۴۰۲) و «اصول و شیوه‌های جهاد تبیین از منظر نهج‌البلاغه» (فولادی، ۱۴۰۲).

فرهمندیان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «شرایط کامیابی جهاد تبیین»، به این نتیجه دست یافته است که تبیین، امری تخصصی است و ورود غیر متخصصان، به آن آسیب می‌زند. تبیین اقتصادی، مبنای اقتصادی و تبیین فرهنگی، متخصص فرهنگی می‌طلبد. وی توجه به سطوح

مختلف مخاطب، بیان واقعیات، رعایت اخلاق، بیان منطقی، امیدآفرینی و خوشبینی را از شرایط کامیابی جهاد تبیین برشمرده است. محمودی و صادقی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «جهاد تبیین در فضای مجازی از منظر رهبر انقلاب»، به آمادگی در عرصه جنگ نرم در فضای مجازی برای مقابله با تلاشهای دشمن، به خصوص مقابله با تحریف واقعیت و تولید اخبار جعلی توسط دشمن در فضای مجازی پرداخته است.

بر اساس پژوهشهای انجام‌شده؛ تبیین مبانی معرفتی، دستاوردهای انقلاب اسلامی و دشمنی‌های دشمنان انقلاب در جبهه مستکبرین و همچنین افزایش سواد رسانه‌ای مردم در کنار حکمرانی بر فضای مجازی، از جمله مطالبات رهبر انقلاب اسلامی است و نوآوری پژوهش حاضر در این نکته است که بر خلاف پژوهشهای انجام‌شده که بیشتر به شرایط و عوامل ایجابی کامیابی در جهاد تبیین پرداخته‌اند، در این تحقیق موانع و به عبارتی؛ عوامل سلبی موفقیت در جهاد تبیین بر اساس الگونمایی قرآنی و معارف قرآن و عترت جستجو شده است. بر اساس اصطلاح رایج معرفت‌شناسان، کلیدواژه «جهل مرکب» در ارتباط با موانع مد نظر انتخاب شد و اصول مقابله با این مانع (دفع کردن پیشینی و رفع کردن پسینی آن) به عنوان اصول زمینه‌ساز برای موفقیت در جهاد تبیین، تحلیل و بررسی شد.

۲. مفاهیم تحقیق

یک) اصول تربیتی

«اصول» در لغت، یک واژه عربی و جمع مکسر «اصل» است که سه ریشه معنایی دارد و در اینجا به معنای اساس و قاعده است (ابن فارس، ۱۴۲۹: ۶۲). «تربیت» در لغت، مصدر باب تفعیل و از ریشه «رب و» به معنای رشد کردن، زیاد شدن و بالا رفتن است (همان: ۳۷۸، ۴۲۰) و با توجه به اینکه در باب تفعیل وارد شده، به معنای سوق دادن تدریجی یک موجود به سوی حد و مرزی از وجود و کمال مطلوب آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶). درباره معنای اصطلاحی تربیت در علوم تربیتی اختلاف نظر وجود دارد (بهشتی، ۱۳۹۷: ۳۵)؛ اما بر اساس مبانی تربیت اسلامی، تربیت عبارت است از: برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان، به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب (همان). با این حساب، باید گفت: «اصول تربیتی» در اصطلاح علوم تربیتی، قواعد و بایسته‌های کلی تربیتی‌اند که بر اساس مبانی و اهداف تربیت مرتب می‌شوند تا در کنار سایر ارکان تربیت، زمینه شکوفایی آگاهانه و ارادی متربی را فراهم کنند. (حسنی، ۱۳۹۹: ۵۹)

دو) جهاد تبیین

جهاد از ریشه «جَهْد و جُهد» به معنای توان و تلاش و مشقّت و سختی است. هرگاه به باب مفاعله برود، «جهاد و مجاهده» نهایت تلاش در مبارزه با دشمن را معنا می‌دهد. واژه پژوهان قرآنی، جهاد را بر سه نوع می‌دانند: جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان و جهاد با نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۸). همچنین تبیین از ریشه «بَیِّن» است که در باب تفعیل وارد شده و به معنای بیان کردن و آشکار کردن تدریجی به کار می‌رود. «بَانَ و استَبَانَ و تَبَيَّنَ» به معنای روشن و واضح بیان کردن است. تبیین، یعنی سخن مجمل و مبهم را شرح دادن و بیان کردن، تا اجمال و ابهام سخن را برطرف کنند (همان: ۱۵۸-۱۵۷). طبرسی ریشه معنایی را از «بین» به معنای فراق می‌داند؛ زیرا با تعریف و تبیین، معنا و مقصود صحیح و واقعیت، از غیر آن جدا می‌شود. (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۵۲)

ترکیب «جهاد تبیین» اصطلاحی است که توسط رهبر انقلاب اسلامی به طور خاص به کار رفته است. ایشان روزگار حاضر را روزگار جهاد تبیین می‌دانند و جهاد را عبارت می‌دانند از تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن، در آن وجود داشته باشد. جهاد تبیین؛ یعنی تبیین کردن برای خنثی کردن وسوسه دشمن؛ که فریضه‌ای قطعی، فوری و بر همگان، به ویژه مسئولان واجب است؛ زیرا در حال حاضر جبهه حق از لحاظ زیرساختها و امکانات قوی شده و به همین سبب است که دشمن در جنگ نرم، علیه ما این قدر سخت شده است. همان‌طور که در وصیت‌نامه امیرالمؤمنین به امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) آمده است، جهاد در راه خدا با مال و جان و زبان، واجب است و همانند جنگ سخت که باید در آن از اسلحه به‌روز و مدرن استفاده کرد، در جهاد تبیین هم می‌بایست از شیوه‌ها، روشهای جدید و سخنان نو استفاده کرد و مفاهیم عالی اسلامی را در زمینه مسائل معارفی و معرفتی، سبک زندگی اسلامی، آیین حکمرانی اسلامی، مبانی انقلاب و مانند آن تبیین کرد. روایت صحیح از واقعیات تاریخ معاصر و انقلاب، دشمن‌شناسی و شناساندن پیشرفتهای علمی و دستاوردهای انقلاب و ضرورت اقتصاد مقاومتی؛ به صورتی که با زینت عاطفه و به کارگیری اخلاق همراه باشد نیز از جمله ضروریات است. (بیانات رهبری، ۱۴۰۱/۵/۵؛ ۱۴۰۱/۶/۲۶؛ ۱۴۰۱/۱۲/۱۹؛ ۱۴۰۰/۱۱/۳؛ ۱۴۰۰/۱۱/۱۹؛ ۱۴۰۰/۱۱/۲۸)

سه) جهل مرکب

برخی واژه‌شناسان، واژه «جهل» را دارای دو اصل و ریشه معنایی می‌دانند؛ ریشه اول به معنایی در تضاد با علم و دانش و ریشه دوم به معنای سبکی و نبود طمأنینه (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۸۹). راغب اصفهانی، کاربرد جهل را در سه معنا بیان می‌کند: معنای اول، نبود علم؛ معنای دوم،

اعتقاد بر خلاف واقع و معنای سوم، انجام رفتاری بر خلاف آنچه حق و سزاوار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۹). اما طبرسی، با نقل نظریه مبنی بر تناقض دو واژه جهل و حلم، می‌فرماید: جهل، نقیض علم است. وی معتقد است به نظر صحیح، جهل، اعتقادی است بر خلاف واقعیت و علم، اعتقاد مطابق با واقعیت است (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۵۱). حکما، جهل را به دو دسته علمی و عملی تقسیم می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۵۰). اگر شهوت یا غضب، زمام تصمیم‌گیری را از عقل بگیرد، مصداق «جهالت عملی» است و چنانچه ظن و گمان و اندیشه باطل، زمام جزم را از عقل نظری بگیرد، به «جهالت علمی» می‌انجامد (همو، ۱۳۸۵: ۳۵۴). در برخی روایات، مانند روایت معروف جنود عقل و جهل، جهل در مقابل عقل به کار رفته است. به نظر امام خمینی، در این حدیث، به قرینه اول مخلوق بودن از روحانین، به معنای عقل کلی عالم کبیر است که باطن و سرّ و حقیقت عقلهای جزئی است و گاهی عقل به معنای قوه عاقله مایل به خیرات و کمالات، و جهل به معنای قوه واهمه مایل به لذات دنیایی به کار می‌رود (موسوی خمینی، ۱۳۹۱: ۲۱). در روایت معروف علوی نیز «جاهل متسکک» و عبادت‌پیشه در مقابل «عالم متهتک» و پرده‌در، به عنوان یکی از دو دشمن امیرالمؤمنین (علیه السلام) معرفی شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۱۱)

در اصطلاح، چنانچه فردی بداند که نمی‌داند، جهل مفرد یا بسیط دارد و فردی که به جهل خود هم جهل دارد و نمی‌داند که نمی‌داند، بلکه می‌پندارد و اعتقاد دارد که می‌داند، جهل مرکب و ترکیب‌شده از دو جهل دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۳؛ همو، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۹۳). به نظر می‌رسد، معنای دوم ذکرشده در کلام راغب اصفهانی، ناظر به همین معناست؛ لذا معنای اصطلاحی جهل مرکب از معنای لغوی آن فاصله نگرفته است. بنابر این، تنها فرق جاهلی که جهل مرکب دارد با جاهلی که نسبت به موضوعی جهل بسیط دارد، این است که اولی از جهل واقعی و نفس‌الامری خود غافل است و از این رو، خود را عالم می‌پندارد و ادعای شناخت دارد؛ در حالی که عالم به نفس‌الامر، چنین فردی را گرفتار در توهّم دانایی می‌بیند. اما جاهل بسیط، مدّعی دانستن نیست، بلکه برای دانستن آماده است و توهّم دانایی، حجاب میان او و حقیقت نیست.

در بحث حاضر، فردی که درباره مبانی معرفتی انقلاب، مانند جایگاه ولایت مطلقه فقیه یا نقش و جایگاه جمهوریت نظام و آرای مردم، دچار اعتقاد ناصحیحی باشد یا در دشمن‌شناسی و شناخت تزویر رسانه‌ای دشمن در روایت دستاوردهای نظام، دیدگاه غیر سدید و غیر صحیح داشته باشد، اما اندیشه خود را صحیح بداند؛ در اصطلاح، دچار «جهل

مرگب» شده است و باید با زمینه‌سازی اصولی و تربیتی، او را به اعتقاد غیر صحیح‌اش واقف کرد. درباره خطیر بودن جهل مرگب نسبت به مبانی معرفتی و اعتقادی انقلاب اسلامی و آثار و پیامدهای آن، می‌توان به کلام امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در توصیف عالم‌نمایی که دچار جهل مرگب شده‌اند، اشاره کرد؛ آنجا که می‌فرمایند: «و دیگری که او را دانشمند نامند، اما از دانش بی‌بهره است. یک دسته از نادانی‌ها را از جمعی نادان فرا گرفته و مطالب گمراه‌کننده را از گمراهان آموخته و به هم بافته؛ دامهایی از طنابهای غرور و گفته‌های دروغین بر سر راه مردم افکنده؛ قرآن را بر خواسته‌های خود تطبیق می‌دهد و حق را به هوسهای خود تفسیر می‌کند؛ مردم را از گناهان بزرگ ایمن می‌سازد و جرائم بزرگ را سبک جلوه می‌دهد؛ ادعا می‌کند از ارتکاب شبهات پرهیز دارد، اما در آنها غوطه می‌خورد؛ می‌گوید از بدعتها دورم، ولی در آنها غرق شده است؛ چهره ظاهر او، چهره انسان و قلبش، قلب حیوان درنده است؛ راه هدایت را نمی‌شناسد که از آن سو برود و راه خطا و باطل را نمی‌داند که از آن پرهیزد؛ پس مرده‌ای است در میان زندگان». (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷)

دلالت این روایت بر توصیف جاهل مرگب واضح است؛ زیرا فرد مورد اشاره در آن، مدعی دانشمندی و دانایی است و برای خود، حق نظریه‌پردازی برای دیگران را در تفسیر قرآن و سایر معارف قائل است؛ در حالی که ناظر بیرونی به او که عالم به حقیقت و نفس‌الامر است، او را خطاکار و گمراه می‌داند؛ به نحوی که در این گمراهی، تقصیر و کوتاهی داشته و چهره باطنی‌اش مسخ ملکوتی شده است و از حیات معنوی و ایمانی بی‌بهره است.

درباره این حدیث ممکن است گفته شود که چنین مذمتی ممکن است ناظر به شخص خاصی باشد و اصطلاحاً این بیان، یک قضیه خارجی باشد. حتی اگر چنین فرضی پذیرفته شود، به نظر می‌رسد این حدیث در بحث حاضر و معرفی آثار رفتاری جهل مرگب، مفید است؛ زیرا حضرت نمی‌فرمایند این شخص در ادعای دوری از شبهات و بدعتها عمداً و از روی نفاق و تزویر دروغ می‌گوید، بلکه تنها به خطای پنداری و فکری او تصریح می‌فرمایند؛ به نحوی که راه خطا و باطل را نمی‌شناسد تا از آن پرهیز کند و این حالت در سایر افراد دچار جهل مرگب نیز وجود دارد. بنابر این، جاهل مرگب و متوهم دانایی، هم خود در غفلتی عمیق از جهل خود به سر می‌برد و هم دیگران را ناخواسته فریب می‌دهد و با جهل در مسائل معرفتی و اصول اعتقادی و ایمانی، دچار مسخ ملکوتی می‌شود.

نکته مهم دیگر درباره این حدیث، این است که به قرینه سیاق روایت، در مقایسه با عباد مخلص خدا و علمای ربّانی که مصداق برجسته آن خود ایشان و معصومین‌اند، بیان شده

است و به قرینه تفسیر قرآن و اخلاقیات و ذکر «شبهات» و «بدعتها» در روایت، به نظر می‌رسد مذمت پایانی حدیث، ناظر بر جهل مرکب در خصوص معارف دینی و ایمانی است؛ لذا مذمت این حدیث را نمی‌توان ناظر به جهل مرکب درباره یک فرمول ریاضی یا علوم پایه تجربی یا اخبار سیاسی دانست و از این موارد منصرف است.

بر اساس بیانات اهل بیت (علیهم السلام) با کلیدواژه «جاهل»، برخی آثار جهل و اوصاف جاهل را می‌توان چنین برشمرد: ۱. نشناختن معرفت و علم؛ ۲. مرگ معنوی و باطنی؛ ۳. ظاهربینی؛ ۴. اسارت در بند آرزوها؛ ۵. تکیه و اعتماد بر آرزوهای خیالی؛ ۶. اثرناپذیری و سود نبردن از موعظه‌ها و نصیحت‌ها و نشناختن تقصیرها و کوتاهی‌ها؛ ۷. زیاده‌روی و افراط و همچنین کم‌روی و تفریط در رفتار و کنشگری‌ها؛ ۸. پاسخ دادن به پرسش‌ها، قبل از اینکه کاملاً سؤال را بشنود و بفهمد؛ ۹. مجادله و مقابله کردن با مطالب جدید قبل از فهم کامل آنها؛ ۱۰. حکم کردن و قضاوت بر اساس مقدمات ناکافی یا حکم کردن بر اساس امری که تخصّص آن را ندارد؛ ۱۱. اکتفا به رأی خود و عجب داشتن از دانش خود و احساس بی‌نیازی از یادگیری و احتمال ندادن نسبت به اینکه به جز اندیشه و دانسته‌های او، اندیشه و دانستی‌های دیگری هم وجود دارد؛ ۱۲. دوری گزیدن از علما و دانشمندان؛ ۱۳. تخطئه هر کسی که با او مخالفت می‌کند؛ ۱۴. غلط و گمراهی دانستن و انکار اموری که آنها را نمی‌شناسد؛ ۱۵. تکذیب و ایجاد شک و شبهه در درستی امری که به آن احاطه علمی ندارد، با بعید دانستن، کتمان و تغافل نسبت به آن مطلب؛ ۱۶. دشمنی و ایراد گرفتن از سخن نویی که به آن علم ندارد؛ ۱۷. تکبر نسبت به آموختن؛ ۱۸. سرگردانی و تحیر مداوم در نادانی و جهالت؛ ۱۹. تفسیر به رأی کردن قرآن و تحمیل افکار خود بر حقایق؛ ۲۰. ایمنی دادن نسبت به امور خطیر و گناهان بزرگ؛ ۲۱. کم‌اهمیت نشان دادن ارتکاب جرمهای بزرگ؛ ۲۲. داشتن ادعای ناصواب احتیاط‌کاری در شبهات؛ ۲۳. داشتن ادعای ناصواب دوری‌گزینی از بدعت‌گذاری ناروا؛ ۲۴. گمراه ساختن مردم و کسب محبوبیت با حيله‌گری و فریبکاری؛ ۲۵. جمع‌آوری اطلاعات بی‌ارزش، چنان برکه آبی متعفن؛ ۲۶. قضاوت کردن میان مردم و ابراز نظریاتی بی‌اساس که نمی‌داند چقدر از آنها درست است؛ ۲۷. انضمام آیات و روایات به یکدیگر برای استنباط معارف دین، بدون داشتن ضابطه و روش معقول؛ ۲۸. معروف را منکر دانستن و منکر را معروف پنداشتن؛ ۲۹. امید بستن به وقوع آرزوهای مُحال. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۷-۳۴۷)

با تأمل در این موارد می‌توان گفت به جز ده مورد نخست، که نسبت به جهل بسیط و جهل مرکب اشتراک دارند، سایر آثار بیشتر بر فردی صدق می‌کنند که دچار جهل مرکب

اصول تربیتی جهاد تبیین با تأکید بر اصول مقابله ... ♦ ۱۴۷

است؛ یعنی نوعی ادعای دانستن و در واقع؛ توهم دانایی است که چنین آثار و پیامدهای رفتاری و معنوی را رقم زده است.

ج) یافته‌ها

۱. موانع شناخت حقایق بر اساس معارف قرآن و عترت

قرآن کریم، جهل مرکب را خسارت‌بارترین آفت انسان معرفی می‌کند: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف: ۱۰۴-۱۰۳). اگر انسان بداند که سرمایه خویش را از دست داده است، گرچه خسران کرده، اما خسران خطرناکی نیست؛ زیان واقعی و خسران مضاعف آنجاست که انسان سرمایه‌های مادی و معنوی خویش را در مسیری غلط و انحرافی از دست داده و گمان می‌کند کار خوبی کرده است. تعبیر «اخرین اعمالا» ممکن است اشاره به این باشد که آنها فقط در یک بازار عمل، گرفتار زیان و خسران نشده‌اند، بلکه جهل مرکب‌شان سبب خسران در همه برنامه‌های زندگی و تمام اعمال و کارهایشان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۶۰)

بر اساس تحقیقات برخی قرآن‌پژوهان و معرفت‌شناسان معاصر، تعدادی از موانع بینشی شناخت صحیح عبارتند از: استفاده نامناسب از ابزار شناخت، مانند حس‌گرایی در شناخت الهیات؛ تقلید کورکورانه؛ اعتماد به ظن و گمان و استنتاج یقینی بر اساس مقدمات ظنی. برخی از گرایشهای معارض با شناخت صحیح حقایق در آیات قرآن نیز عبارتند از: میل به لذات آنی و هوسهای لحظه‌ای؛ آینده‌نگری افراطی مادی؛ حب جاه و تکبر، عجب و خودپسندی و تعصبات حزبی باطل (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۳۸-۳۰۳). در توضیح این عوامل می‌توان گفت: قرآن کریم حس‌گرایی مردمی را که تقاضای مشاهده حسی خداوند یا ملائکه را داشتند یا به سبب اینکه ظاهر انبیا مانند سایر انسانها معمولی است، در نبوت ایشان تشکیک یا انکار می‌کردند، به شدت نکوهش می‌کند: «گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده و شما جز دروغ نمی‌پردازید» (یس: ۱۵)؛ «گفتید ای موسی! تا خدا را آشکارا ببینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد» (بقره: ۵۵)؛ «پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. و کسانی که به لقای ما امید ندارند، چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگارمان را نمی‌بینیم؟ قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند» (فرقان: ۲۰-۲۱)؛ «گفتند: این [مرد] جز بشری چون شما نیست؛ از آنچه می‌خورید، می‌خورد و از آنچه

می‌نوشید، می‌نوشت و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید، در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود» (مؤمنون: ۳۳-۳۴). در واقع؛ قرآن کریم هشدار می‌دهد که برای دستیابی به حقیقت می‌بایست از نظر شناخت‌شناسی،^۱ ابزار تحقیق را متناسب با موضوع تحقیق انتخاب کنید که این انتخاب درست، نیازمند آگاهی بر آگاهی و خودداری از پیش‌داوری است.

همچنین در آیات متعدد قرآن کریم، مذمتِ مردمانی بیان شده که استدلال آنان برای پذیرفتن کلام حق انبیا (علیهم‌السلام)، پیروی از پدران‌شان بیان شده است: «آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده‌ایم که بدان تمسک می‌جویند؟ [نه]، بلکه گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پیگیری از آنان، راه یافتگانیم. و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راه سپریم. گفت: هر چند هدایت‌کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم؟ گفتند: ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم» (زخرف: ۲۴-۲۱؛ انبیا: ۵۴-۵۱، شعرا: ۶۹-۷۴). یعنی تبعیت کورکورانه از افرادی خاص، بدون تحلیل منطقی اعتقاد و کلام آنان، یکی از عوامل گمراهی ایشان است و مراد از افراد خاص می‌تواند جمعیتها، مکتبها و برخی جوامع به ظاهر پیشرفته باشد. همانطور که مردمان و قوم حضرت موسی (علیه‌السلام) با دیدن زرق و برق مادی بت‌پرستان، به صورتی حسرت‌زده از او تقاضا کردند برای ایشان هم بت فراهم کند (اعراف: ۱۴۱-۱۳۸)؛ زیرا برخی بدون توجه به تفکر باطل، منحط و مبتذل بت‌پرستان، صرفاً به ظواهر مادی و پرجاذبه ایشان توجه کردند و باطن خرافی و پوچ آنان را ندیدند و به تقلید کورکورانه پرداختند. در زمان حال نیز ظواهر فریبنده تمدن غربی، باطن خرافه‌پرست آن را در نظر برخی پوشانده و ایشان را به تقلید کورکورانه از هر اندیشه و سخن درست یا غلط ایشان واداشته است.

قرآن کریم عامل مهم دیگر در گمراهی و جهل انسانها را اعتماد بی‌جا بر گمان و خرافات و عادت کردن به این رفتار و همچنین استنتاج یقینی بر اساس مقدمات ظنی دانسته است: «و آسمان و زمین و آنچه میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده] اند، پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند. یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین می‌گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می‌دهیم؟» (ص: ۲۸-۲۷)؛ «و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند» (یونس: ۳۶)؛ «و کسانی که

1. Epistemology

غیر از خدا شریکانی را می‌خوانند، [از آنها] پیروی نمی‌کنند. اینان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز گمان نمی‌برند.» (یونس: ۶۶)؛ «[این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند، با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است» (نجم: ۲۳-۲۱)؛ «در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند. و ایشان را به این [کار] معرفی نیست. جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند. پس، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است» (نجم: ۳۰-۲۷). البته در زندگی روزمره انسان، مواردی وجود دارد که دستیابی به علم، مقدور یا میسر نیست و عقلاً تا حدی از تسامح را تجویز می‌کنند. همچنین شک و گمان، معبر و گذرگاه دستیابی به یقین‌اند؛ اما آنچه مذموم است، جایگزین کردن گمان به جای یقین در مواردی است که تنها یقین حجت دارد، به خصوص اگر اعتماد به گمان به صورت عادت دریاید، که بر اساس برخی آیات قرآن (انعام: ۱۱۶) ممکن است گفته شود در میان انسانها همواره فراگیر بوده است.

درباره گرایشهای معارض نیز باید گفت: بنا بر آموزه‌های قرآنی، برخی انسانها به سبب آرزوهای دور و دراز (حجر: ۳)، عناد و لجاجت (مدثر: ۱۶)، دلبستگی‌های مادی مانند مال‌پرستی، جاه‌طلبی، قدرت‌خواهی، تکبر و استکبار و حمیت و تعصبات باطل؛ از پذیرش حق سر باز می‌زنند. این امیال و کششهای درونی، مانع تحصیل حقیقت و رهایی از جهل مرکب می‌شوند؛ زیرا فاعل شناسا، از حالت بی‌طرفی خارج شده و نمی‌تواند منصفانه محتواها را ارزیابی کند.

پس به طور خلاصه می‌توان گفت: دسته اول از موانع، درمان علمی دارند و دسته دوم، نیازمند درمان عملی‌اند تا بیماری دل برطرف شود.

دسته سوم از موانع شناخت صحیح را می‌توان «موانع رفتاری» نامگذاری کرد که مراد از آن، موانعی‌اند که در پی رفتارهای غیر اخلاقی و ناشایست، در برابر فهمیدن و علم صائب و نافع ایجاد شده‌اند و انسان را دچار جهل مرکب می‌کنند. تأثیرگذاری این رفتارها بر نگاه، فهم و بینش انسان را نمی‌توان با روش پوزیتیویسمی اثبات کرد و تنها با رئالیسم دینی و تکیه بر بیانات و حیانی و اخبار غیبی معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان به آنها اعتقاد پیدا کرد. امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا، یکی از موانع پذیرش تبیین روشنگرانه ایشان توسط

مزدوران اموی را، خوردن اموال حرام اعلام کردند؛ زیرا خوردن مال حرام، بصیرت انسان را کور می‌کند: «در حالی که سپاهیان عمر سعد ساکت نمی‌شدند تا به سخنان امام حسین (علیه‌السلام) گوش بدهند، ایشان فرمودند: شما به سخن من گوش نمی‌دهید؛ زیرا شکمهای شما از حرام پر شده و بر دلهای شما مهر زده شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵: ۸). در حدیث معراج نیز چنین آمده است که خداوند برای مراقبت از زبان و شکم و اخلاص بنده، به او حکمت و بصیرت و تیزبینی علمی می‌دهد (همان، ج ۷۴: ۲۹). امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر کس به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند آنچه را نمی‌داند به او می‌آموزد» (دبلی، ۱۴۰۸: ۳۰۱). در احادیث معصومین، بر تأثیر مثبت زهد و روگردانی از دنیا بر توفیقات علمی و دریافت معرفت موهبتی تأکید شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲: ۳۳؛ ج ۷۵: ۶۳). اساساً تا جهان‌بینی فردی دنیا‌محور است و دنیا را هدف می‌بیند، نه وسیله و توشه آخرت؛ فردگرایی و منفعت‌طلبی ماده‌گرایانه برای او اصل می‌شود و بنابر این، دستاوردهای معنوی انقلاب، مانند قرب الهی، حفظ عزت و استقلال و آزادی معنوی، برای او بی‌معنا شده و بلکه ممکن است خسارت تلقی شود (توبه: ۹۸-۹۹). بنابر این، ارائه راهکار و اصول تربیت علمی، بدون تربیت اخلاقی و تهذیبی، زمینه‌سازی لازم برای موفقیت جهاد تبیین را محقق نمی‌کند و تهذیب اخلاقی و معنوی مردمان، اهمیت بسزایی دارد. (حسنی، ۱۴۰۰: ۷۶۷)

۲. اصول مقابله با جهل مرکب بر اساس تعالیم قرآن و عترت

باتوجه به تبیین ماهیت جهل مرکب و صفات افرادی که دارای توهم دانایی شده‌اند، می‌توان اصول ذیل را در برطرف کردن موانع بینشی، گرایشی و رفتاری استقرا کرد. نکته قابل توجه اینکه، از آنجا که غفلت، راه‌های معرفتی انسان را مسدود و آنها را غیر قابل استفاده می‌کند، قرآن، آن را ریشه انحرافات دیگر یاد می‌کند. بنابر این، قدم نخست به سوی انسانیت، خارج شدن از غفلت و قدم گذاشتن به مرحله آگاهی است. انسان تا از غفلت خارج نشود، وارد محدوده انسانیت نشده است. در ارتباط با همین نخستین قدم است که یکی از وظایف انبیا با عنوان «ذکر» و یادآوری شکل می‌گیرد. ذکر؛ یعنی خارج کردن مردم از غفلت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۴۸). عرفا، یقظه (بیداری از غفلت) را اولین نوری می‌دانند که قلب عبد را روشن می‌کند و بر این باورند که حیات حقیقی انسان با بیداری آغاز می‌شود. آنگاه برای یقظه، شئونی را برمی‌شمارند؛ از جمله: توجه به نعمتهای الهی، مطالعه جنایت و گناه خویش و شناخت عمر گرانبایه. (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۵)

قاعدتاً اولین و مهم‌ترین اصل برای رهایی از غرور علمی و توهّم دانایی، یادآوری و هشدار نسبت به این نکته است که ای انسان! به هوش باش که ممکن است علم تو جهل باشد و آن را علم پنداری. همین هوشیاری و تشکیک معقول، انسان را از غرور علمی بازمی‌دارد و مانع خودبسندگی علمی می‌شود، تا به طور مداوم، به دنبال میزان صحیح کسب اطلاع بگردد. رعایت این اصل در سیره یاران حضرت عیسی (علیه‌السلام) نیز دیده می‌شود (یس: ۱۹): در حالی که وقتی دیدند منکران نبوت حضرت عیسی (علیه‌السلام) به فال بد و «طیره» به سبب آمدن فرستادگان پیامبر خدا اعتقاد دارند، تذکر به بطلان این اندیشه را اقدام اصلی خود قرار دادند. این شیوه جهاد تبیین، مورد تأیید خداوند است و سند راهبری بشریت در طول تاریخ قرار داده شده است.

اصل دوم، تزکیه و تهذیب اخلاقی متربی است؛ زیرا همانطور که بیان شد، کششهای نفسانی و امیال شهوانی، مانع پذیرش حق می‌شوند و عصبیت و حمیت جاهلی را نمایان می‌کنند. (فتح: ۲۶)

اصل سوم، تواضع علمی و پرهیز دادن نسبت به غرور و فریفتگی علمی است. روشهای تربیتی متناسب با این اصل عبارتند از: ضرورت توجه دادن انسان به جهل بودن برخی دانسته‌های قبلی و کم بودن اطلاع انسان از آگاهی‌ها؛ همانطور که قرآن به روشنی، به این نقطه ضعف انسان تصریح می‌کند (اسراء: ۸۵)؛ یعنی به متربی یادآوری کنیم که دانش انسان، محدود است. همچنین اقرار رسا به ندانستن امری که انسان آن را نمی‌داند؛ مربی در مقام تربیت می‌بایست با عمل و رفتار خود، انجام این کار را توصیه کند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر کس سخن من نمی‌داند را ترک کند، به هلاکت می‌رسد». (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۵)

اصل چهارم عبارت است از: ارزشیابی مستمر روشهای کسب اطلاعات و اخبار و روشهای استنتاجی به صورت معتدل. ارزیابی مداوم روشها و دستگاه شناختی انسان، مانع حس‌گرایی افراطی، پیروی از گمان، تقلید کورکورانه و مانند آن می‌شود؛ نکته‌ای که بر اساس دلالت التزامی از آیات مذمت‌کننده ظاهر‌گرایان استفاده می‌شود (یس: ۱۵؛ بقره: ۵۵؛ فرقان: ۲۱-۲۰؛ مؤمنون: ۳۴-۳۳، ۴۷-۴۵). همچنین از جمله لوازم این اصل، ارزیابی سند شناختی و محتوایی اخبار و اطلاعات است. همانطور که در ماجرای اخذ زکات قبیله بنی‌المصطلق توسط ولید بن عقبه (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۹: ۲۲۰)، خداوند فرمود: اگر خبررسان فرد فاسقی است، درباره صحت خبر تحقیق کنید. (حجرات: ۶)

از جمله روشهای تربیتی متناسب با این اصل، ضرورت مطالعه مداوم مطالب علمی و حکمت‌آمیز است؛ همانطور که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «زیاد نگاه کردن و مطالعه حکمت و علم، به عقل، گشایش و خلاقیت می‌دهد» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۵۹). در پی این گشایش علمی، انسان از حصار فکری آزاد شده و به دستیابی به حقایق نفس‌الامری نزدیک می‌شود.

روش تربیتی دیگر، عبارت است از تمرین عدم اعتماد به گمانها و پرهیز از تقلید غیر منطقی؛ با انجام تشکیک معقول و معتدل در گزاره‌ها و پرسشگری نیکو؛ همانطور که در بیانات معصومین (علیهم‌السلام)، سؤال کردن، کلید علم دانسته شده و نیکو پرسیدن، نیمی از دانش محسوب شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۳۵۸؛ ج ۱: ۲۲۴). البته همانطور که در بیانات حکیمانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وارد شده: «جاهل یا دچار آفت افراط شده و زیاده‌روی می‌کند یا دچار آفت تفريط شده و کم‌روی می‌کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۷). بنابر این، تشکیک معقول در دانسته‌ها نباید به حدی باشد که به شکاکیت مطلق و نسبی‌گرایی خود ساختارشکن منتهی شود.

مطلب پایانی، توصیه‌ای بسیار کارگشا و مؤثر در پذیرش مخاطب، اثبات صداقت و خیرخواهی مربی نسبت به متربی است؛ همانطور که خداوند، سیره یکی از اولیای خود را بر این اساس معرفی و تبلیغ می‌کند: «و از دورترین منطقه شهر، مردی با شتاب آمد و گفت: ای قوم من! از این انبیا پیروی کنید؛ از کسانی که پاداشی درخواست نمی‌کنند و خود هدایت یافته‌اند، پیروی کنید. چه شده است مرا که نپرستم آن که مرا آفریده است و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شویم! آیا به جای او خدایانی برگزینم که اگر خداوند رحمان اراده گزندگی به من کند، شفاعت آنها کمترین سودی برای من ندارد و مرا نمی‌رهانند؟ در این صورت من در گمراهی آشکاری خواهم بود. [ای مردم! بدانید] من به پروردگارتان ایمان آوردم، پس [شما نیز سخن مرا] بشنوید [و ایمان آورید]» (یس: ۲۷-۲۳). در تفسیر این آیات، چنین وارد شده است که فردی بدون داشتن عناوین و جایگاه ظاهری اجتماعی و مادی، به نام حبیب نجار، در کمترین زمان ممکن و بدون فوت وقت و از دست دادن فرصت تبیین، صداقت و خیرخواهی پیامبران و فرستادگان الهی را و اینکه به دنبال مزد و منافع خودشان نیستند، یادآوری کرد و با تبیین حقیقت عالم در موضوع مبدء و معاد و ربوبیت خداوند و کارگشا نبودن بتها نسبت به خودش، با نهایت بیان منطقی و با محبت و دلسوزی و

اصول تربیتی جهاد تبیین با تأکید بر اصول مقابله ... ♦ ۱۵۳

خیرخواهی، الگوی مجاهدان تبیین قرار گرفت؛ در حالی که جان خود را در راه خدا و تبیین حقیقت فدا کرد. (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۸: ۲۶۸-۲۶۴)

د) نتیجه‌گیری

بر اساس معارف و آموزه‌های قرآن و عترت، اسباب ایجاد جهل مرکب عبارتند از: موانع بینشی، مانند استفاده از ابزار شناخت نامناسب با موضوع مورد شناسایی، تقلید کورکورانه و استنتاج یقینی بر اساس مقدمات ظنی؛ موانع گرایشی؛ مانند هوسرانی، آینده‌نگری افراطی مادی، حب جاه، خودپسندی و تعصبات باطل؛ و موانع رفتاری، مانند ارتزاق از اموال حرام. بر این اساس، اصول تربیتی مقابله با جهل مرکب نیز عبارتند از: ۱) یادآوری و هشدار نسبت به توهم دانایی؛ ۲) تزکیه و تهذیب اخلاقی متربی؛ ۳) تواضع علمی و پرهیز دادن نسبت به غرور و فریفتگی علمی؛ ۴) ارزشیابی مستمر روشهای کسب اطلاعات و اخبار و روشهای استنتاجی به صورت معتدل و در پایان، تلاش برای اثبات صداقت و خیرخواهی مربی نسبت به متربی؛ که از جمله توصیه‌های قرآن‌بنیان است و از سیره تبیینی اولیای الهی استفاده می‌شود. در نتیجه، اصول تربیتی مذکور به آیات و روایات معصومین مستند شده و می‌توانند برای مقابله با توهم دانایی و زمینه‌سازی برای موفقیت جهاد تبیین، مفید واقع شوند.

منابع

- قرآن حکیم.
- نهج البلاغه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۷). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ادب فنای مقربان؛ شرح زیارت جامعه کبیره. قم: إسرائ.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). تفسیر انسان به انسان. قم: إسرائ.
- حسنی، سعید (۱۳۹۹). پژوهشی پیرامون نظام تربیتی اسلام. اراک: جهاد دانشگاهی.
- حسنی، سعید (۱۴۰۰). «حکیم‌پروری، راهبرد جهش علمی مورد انتظار رهبر انقلاب در گام دوم انقلاب اسلامی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۸۸: ۷۶۷-۷۸۸.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). جهاد تبیین. KHAMENEI.IR
- حرّانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین حوزه.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المومنین. قم: آل البيت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. تهران: انقلاب اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۵ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: الاعلمی.
- فرهمندیان، علی (۱۴۰۰). «شرایط کامیابی جهاد تبیین». دانشها و آموزه‌های قرآن و حدیث، دوره چهارم، ش ۱۵.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
- محمودی، محسن و سالار صادقی (۱۴۰۱). «جهاد تبیین در فضای مجازی از منظر رهبر انقلاب». سومین کنفرانس ملی پدافندی سایبری. مراغه: دانشگاه آزاد اسلامی.

اصول تربیتی جهاد تبیین با تأکید بر اصول مقابله ... ♦ ۱۵۵

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). **اخلاق در قرآن**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). **مثالهای زیبای قرآن**. قم: نسل جوان.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۳). **شرح منازل السائرین**. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۱). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- **The Holy Koran.**
- **Nahj Al-Balaghah.**
- Beheshti, Mohammad (2018) **Foundations of Education in Quran Viewpoint**. Tehran: Islamic civilization & Thought.
- Deylami, Hassan (1987). **Aalam Al-Din fi Sefat Al-Momenin**. Qom: Aal-Albeit.
- Harrani, Hassan (۳۳۳۳). **Tohaf Al-Oghool An Al-Alrasool**. Qom: Howzeh Qom.
- Hassani, Saeed (2020). **Study of Regularity of Islamic Education**. Arak: Jahad-e-Daneshgahi.
- Hassani, Saeed (2021). **“Hakim training, Scientific Mutation Strategy Expected by Leader of Revolution in Second Phase of Islamic Revolution”**. *The Knowledge Studies in The Islamic University*, 88: 767-788.
- Hoseyni Khamenei, Seyed Ali (2021). **Jihad of Tabiin**. In: KHAMENEI.IR
- Ibn-Fares, Ahmad (۳۳۳۳). **Mojam Maghays Al-Loghah**. Qom: Maktab Al-Aalamol Islami.
- Javadi Amoli, Abdollah (2009). **Adab Fanaye Mogharraban**. Qom: Esra.
- Javadi Amoli, Abdollah (2006). **Interpretation of Human by Human**. Qom: Esra.
- Majlesi Mohammad Bager (1982). **Behar Al-Anvar**. Beirut.
- Makarem Shirazi, Naser (1995). **Nemooneh Interpretation of the holy Koran**. Tehran: Dar Al-kotob Al-Eslamiyeh.
- Makarem Shirazi, Naser (2003). **The Beautiful Byword of the holy Koran**. Qom: Nasl Javan.

- Mansouri, Ismael (2014). **Sharh Manazel Al-Alsaerin**, Tehran: International.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2009). **The Ethic In the holy Koran**. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2010). **Mizan Al-Hikmah**. Qom: Dar Al-Hadith.
- Motahari, Mortaza (2003). **The Complex of Writing**. Tehran: Sadra.
- Mousavi Khomeyni, Seyed Roohollah (2012). **The Interpretation Hadith (Armis of Nous & Ignorance)**. Tehran: Imam Khomeyni Institute.
- Ragheb Isfahani, Housein (1991). **Mofradat Alfaz Al-Quran**, Beyrut: Dar Al-Ghalam.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan (1946). **Majma Al-Bayan**. Beirut: Al- Alami.

